

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی اشکال دور در آیه شریفه ذکر

از اشکالاتی که به استدلال آیه شریفه ذکر وارد شده و عمده اشکالات است، اشکال دور هست. بیان دور این است که ما از « **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** » می‌خواهیم استفاده کنیم که قرآن کریم تحریف نشده و بدون هیچ تغییر و تبدیلی باقی و محفوظ مانده است؛ و حال آن که احتمال می‌دهیم همین آیه شریفه - آیه‌نهم سوره مبارکه حجر - تحریف شده باشد. در نتیجه، شما برای نفی تحریف قرآن باید اثبات کنید که خود این آیه تحریف نشده است. به عبارت دیگر، بیان دور این است که نفی تحریف متوقف می‌شود بر نفی تحریف؛ مدعای شما که عدم تحریف قرآن است متوقف است بر اینکه این آیه شریفه تحریف نشده باشد. گاه بیان دور را اینطور ذکر می‌کنند که نفی تحریف متوقف بر نفی تحریف است و گاه می‌گویند اگر این آیه شریفه بخواهد بر مدعا - عدم تحریف قرآن - دلالت کند، باید ظاهراً حجت داشته باشد؛ حجت ظاهر این آیه نیز متوقف است بر این که قرآن تحریف نشده باشد، و این دور است. البته این دو بیان خیلی با هم فرق نمی‌کند. بالاخره ما احتمال وقوع تحریف در خود این آیه را می‌دهیم، و با این احتمال، دیگر نمی‌توانیم اثبات کنیم که مجموع قرآن تحریف نشده است.

پاسخ اشکال دور

از این استدلال و اشکال، چند جواب داده شده است. **اولین جواب** را مرحوم آقاي خوئي قدس سره در کتاب **البيان** صفحه 209 ذکر فرموده‌اند؛ و آن این که می‌فرمایند: کسانی که معتقد به ائمه طاهرين (ع) نیستند و ائمه را از خلافت‌الله کنار گذاشتند، عاجز از پاسخ دادن به این اشکال هستند؛ اما کسانی که بهولایت ائمه طاهرين (ع) معتقد هستند و آنان را قرنای کتاب و قرآن می‌دانند، آنها را حجج الله علي خلقه می‌دانند، در پاسخ از این اشکال عاجز نیستند. زیرا، همین که ائمه طاهرين (ع) به قرآن استدلال می‌کردند و اصحابشان هم به قرآن استدلال می‌کردند، تقریر و تأیید حجت قرآن است و این برای ما کافی است؛ هر چند هم ما قائل شویم که قرآنتحریف شده، اما ظواهر قرآن برای ما حجت دارد و تحریف مانع از حجت ظواهر نیست. این خلاصه جواب ایشان است.

اشکال جواب اول: اما روشن است که این جواب، صحیح نیست؛ و دو اشکال بر این جواب داریم؛ جزوهای را شاید حدود شانزده سال پیش نوشتیم، هرچند که در سال 81 چاپ شد، و در آن يك نکات اجمالی در بحث عدم تحریف قرآن آوردیم؛ در نکته نهم همین اشکال دور را مطرح کرده و جواب‌ها را هم ذکر کردیم؛ و در آن این دو اشکال را بر مرحوم آقاي خوئي وارد کردیم. **اشکال اول** این است که اصلاً بحث در این نیست که معتقدین به ولایت ائمه طاهرينیا مخالفین ولایت بخواهند از این اشکال جواب دهند که شما بفرمایید مخالفین عاجز از جواب دادن هستند، اما آنهایی که موافق هستند، می‌توانند جواب بدهند؛ اصلاً بحث

در این نیست. حالا اگر کسی هم اصلاً در این نزاع - مسأله ولایت و عدم ولایت - وارد نشود، یا کسی که خارج از دایره اسلام است، بخواهد از این آیه شریفه برای عدم تحریف قرآن استدلال کند، و این احتمال وجود داشته باشد که این آیه تحریف شده، چه باید بگوید؟ ما در مقابل فرقه یا گروه خاصی نمی‌خواهیم استدلال کنیم تا بگوییم شیعه به برکت اعتقاد به ولایت خیالش راحت است و می‌تواند به قرآن استدلال کند، هرچند که تحریف هم شده باشد.

اشکال دوم که اشکال مهمتری است، این است که جواب ایشان تسلیم به شبهه است؛ یعنی ایشان شبهه را قبول کردند. ایشان می‌فرمایند اگر کسی بخواهد به قرآن استدلال کند، راهش این است که معتقد به ولایت ائمه طاهرين باشد و هر آیه‌ای را که ائمه طاهرين استدلال کرده باشند، حجیت دارد؛ هرچند که آن آیه تحریف هم شده باشد؛ ولو این که بگوییم به نحو اجمال در قرآن تحریف شده است. در حالی که مدعا این است که حجیت قرآن را از راه خود قرآن می‌خواهیم درست کنیم؛ عدم تحریف قرآن را می‌خواهیم از راه خود قرآن اثبات کنیم و نه از راه سنت و استدلال ائمه طاهرين (ع). بنابراین، اشکال دوم این است که اصلاً ایشان تسلیم این شبهه شدند و آن را قابل جواب ندانستند. نتیجه‌ای که می‌گیریم این است که پاسخ ایشان از اشکال دور صحیح نیست. **جواب دوم از اشکال دور:** این است که قائلین به تحریف قرآن می‌گویند ما روایاتی داریم که محدوده تحریف را معین می‌کند و می‌گوید فلان آیه‌ی شریفه سوره مبارکه فلان تحریف شده است؛ و سایر آیات که روایاتی دال بر تحریف آنها نداریم، تحریف نشده‌اند؛ و از آنها این آیه شریفه سوره حجر است که می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» و هیچ روایتی بر تحریف این آیه نداریم.

اشکال جواب دوم: این جواب هم از نظر ما اشکال دارد. اشکالشان این است قائلین به تحریف دو گروه هستند؛ یک گروه اخباری‌های هستند که دست خودشان را بسته‌اند و در باب تحریف می‌گویند هر آیه‌ای که روایتی بر تحریف آن داریم، می‌گوییم که آن آیه تحریف شده است؛ این جوابشما روی این قول، جواب خوبی است. اما گروه دوم افرادی هستند که می‌گویند ما کاری به روایات نداریم، می‌گوییم یک کتاب در طول زمان با حوادثی که در هر جامعه‌ای به وجود می‌آید، دستخوش تغییر می‌شود، لذا، علم اجمالی به تحریف قرآن داریم؛ بله، ممکن است بگویند روایاتی هم که در باب تحریف واقع شده است، منشأ علم اجمالی مامی‌شود که قرآن تحریف شده است؛ وقتی علم اجمالی حاصل شد، دیگر لازم نیست بگوییم بر تحریف این آیه روایت داریم یا نداریم. در این صورت، این جواب دوم فائده‌ای ندارد، و نافع برای چنین شخصی نیست. نتیجه آن که، این جواب دوم هم جواب قانع‌کننده‌ای نبود. **جواب سوم از اشکال دور:** برخی فرموده‌اند: نسبت به آیه شریفه حفظ، اجماع قائم شده است که این آیه تحریف نشده است.

اشکال جواب سوم: این جواب هم جواب کافی نیست و قابل مناقشه است؛ زیرا، قائلین به تحریف چنانچه ادعای علم اجمالی به تحریف کتاب را داشته باشند، نمی‌توانند این آیه را از دایره علم اجمالی خارج کنند؛ و به تعبیر دیگر، نمی‌توانند داخل مجموعهین باشند؛ و الا از وجود نظریه آنان عدمش لازم می‌آید که یک عبارت خیلی کوتاه و پرمطالبي است. به عبارت دیگر، جواب دهنده می‌گوید ما اجماع داریم، اما نه اجماع العلماء فقط، نه اجماع امامیه فقط، بلکه اجماع تمام مسلمین است که آیه حفظ تحریف نشده است. و بالاتر از این اجماع نداریم. جواب ما این است که اگر این اجماع در مقابل اخباری‌ها بود که می‌گویند روایت داریم که فلان آیات تحریف شده است، اما آیه حفظ را شك داریم؛ می‌گوییم شك نکنید، زیرا اجماع قائم است بر اینکه این آیه تحریف نشده است. و این جواب، کافی بود؛ اما باز در مقابل کسی که ادعای علم اجمالی به وقوع تحریف در قرآن می‌کند، این اجماع چطور معنا پیدا می‌کند؟

کسی که علم اجمالی به وقوع تحریف در قرآن ادعا می‌کند، نمی‌تواند داخل در این مجموعهین باشد؛ برای این که معنای علم اجمالی این است که هر آیه‌ای را حتی آیه ذکر و حفظ را شامل می‌شود. پس، شخصی که علم اجمالی به تحریف دارد، نمی‌تواند داخل در مجموعهین باشد که در این صورت، از وجودش عدمش لازم می‌آید؛ برای اینکه اگر بخواهد داخل در مجموعهین باشد باید دست از علم اجمالی‌اش بردارد و بگوید علم اجمالی ندارم؛ در حالی که فرض ما این است که علم اجمالی‌دارد. پس، این جواب

هم جواب درستينشد. جواب چهارم را آقاين در كتاب **مدخل التفسير** مطالعه بفرماييد؛ والد راحل ما رضوان الله عليه ايشان جواب ديگري دارند كه ما بر جواب ايشان هممناقشه داريم. خود ما يك جواب پنجمي را در جزوه دفاع از حريم قرآن بيان كرده ايم كه آقاين اگر توانستند اين جزوه را پيدا كنند، مطالعه كنند؛ و مطالب تحريف خيلي به صورت دقيق و فشرده در اين جزوه آمده است. وصلي الله علي سيدنا محمد وآله الطاهرين.